

جدایی روحانیت و بازار از حاکمیت

دکتر حسین باقر زاده سه شنبه ۲ مهر ۱۳۸۷ - ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۸



همه کشورهای دیگر جهان با نرخ تورم به مراتب پایین تر بدون مشکل زیاد صورت می گیرد چرا در جمهوری اسلامی با این همه اعتراض و اعتصاب مواجه می شود؟ آیا این امر قطع ارتباط جمهوری اسلامی با رکن پایه ای دیگر خود یعنی بازار را به نمایش نمی گذارد؟ این مسئله وقتی بیشتر روشن می شود که توجه کنیم ایران بسیاری از کسبه و مغازه داران (و به خصوص کسبه خرده پا) حساب و کتاب دقیقی از خرید و فروش خود نگه نمی دارند و هم چنان که از پرداخت سایر مالیات ها فرار می کنند به راحتی می توانند از پرداخت این مالیات نیز فرار کنند (گرچه برخی، دقیقاً این امر را از دلایل مخالفت خود شمرده اند و گفته اند که مجبور خواهند شد برای اجرای این قانون روش کار خود را عوض کنند، ولی نباید این ایراد را جدی گرفت). به هر شکل که به مسئله نگریسته شود، این امر قابل فهم نیست که اجرای قانون ارزش اضافی سه درصدی در کشوری که تورم ۲۷ درصدی دارد، آن هم از سوی حکومتی که تا این حد به بازار نزدیک بوده است با این موج اعتصاب روبرو شود. مگر این که فرض را بر این بگذاریم که اعتصاب یک انگیزه سیاسی دارد، و یا این که رابطه نزدیک بازار با حکومت در جمهوری اسلامی دچار اختلال شده است. جمهوری اسلامی در پایان دومین دهه حیات خود رابطه ارگانیک با دور رکن پایه ایش را از دست داده و مجبور خواهد شد برای حفظ خویش بیش از هر زمان دیگر به ارگان های امنیتی و پلیسی و نظامی خود متکی شود. مخالفت مشترک بازار و روحانیت با حکومت شاه به یک حرکت اجتماعی وسیع علیه آن منجر شد که سرانجام به سقوط آن انجامید. به دلایل مختلفی که جای طرح آن در این جا نیست، نمی توان با قریب ساز به این نتیجه زودرس رسید که پس از آنکون نیز زمینه های انقلاب دیگری فراهم می شود. نه روحانیت ناراضی و نه بازار اعتصابی انگیزه چندان برای سقوط حکومت ندارند، و بلکه به دنبال تغییر رفتار آن به نفع خود هستند. تجربه تلخ انقلاب به بسیاری از نیروهای دیگر آموخته است نیز که از اتحاد فرضی روحانیت و بازار حمایت نکنند. از این که بگذریم، یک واقعیت روشن است: جمهوری اسلامی با از دست دادن رابطه ارگانیک خود با دور رکن اساسی روحانیت و بازار و اتکا به نیروی قاهره سرکوب خود به تدریج به صف حکومت های استبدادی کلاسیک، و البته از نوع مذهبی آن، می پیوندد، و رابطه آن با مردم و نهادهای مختلف اجتماعی در گروگن می شود.

هیچ، و بلکه احمدی نژاد را به اتخاذ موضعی واداشت که حتی در رژیم مقتدر و سکولار شاه نیز جرأت می طلبید. او صریحاً اظهار داشت که روحانیان باید امر حکومت را به حکومتمیان واگذارند و از دخالت در آن خودداری کنند. ادای چنین سخنانی در حکومتی که یک پای آن بر روی شانه روحانیت قرار گرفته است بسیار نامنتظره بود، و جالب این که عنصر روحانی تصمیم گیرنده در حکومت یعنی ولی فقیه نیز موضع او را عملاً تأیید کرد. روند جدایی روحانیان از حکومت البته از سالیان پیش شروع شده بود. بسیاری از روحانیانی که دغدغه دین را داشته اند مدت ها است که از به کارگیری دین در حکومت ناراضی اند و حساب خود را از حکومت جدا کرده اند. بخش بزرگتری از روحانیت، اما، بیشتر دغدغه دنیا را داشته و همواره بر آن بوده است که حکومت را به دنبال خود بکشاند. اکنون این بخش از روحانیت است که با سرکشی حکومتمیان روبرو می شود و خود را در برابر آن می بیند. اگر چه این دسته از روحانیان هنوز از این که حکومت «اسلامی» است و با کمال میل آماده است که به فتوای خشن، ضد انسانی و زن ستیز و دیگر کش آنان ردای قانون ببوشاند احساس رضایت می کنند، این احساس به تدریج برای آنان جا می افتد که حکومت جمهوری اسلامی تحت سلطه «اصول گرایان» ظاهر همان راهی را می رود که مرحوم شریعتی به مفهوم دیگری بیان کرده بود: اسلام بدون روحانیت، و اکنون جمهوری اسلامی بدون روحانیت. حکومت احمدی نژاد یک رکن پایه ای جمهوری اسلامی را به تدریج از خود رانده است. رکن دیگر پایه ای جمهوری اسلامی نیز ظاهراً سرنوشت بهتری نخواهد داشت. مالیات بر ارزش افزوده پدیده جدیدی در دنیا نیست و تقریباً در همه اقتصادهای مبتنی بر بازار آزاد در جهان رواج دارد. جمهوری اسلامی نیز سرانجام به اندیشه آن افتاده است که با تأخیر زیاد به این قافله پیوندد. نرخ سه درصدی این مالیات هم شاید جزو کمترین ها در دنیا باشد (این نرخ در غالب کشورهای جهان برای اکثر کالاها دو رقمی است). علاوه بر این، در کشوری با نرخ تورم رسمی ۲۷ درصد، اجرای یک مالیات سه درصدی حتی چندان محسوس هم نیست. پس چگونه است که اجرای این مالیات در جمهوری اسلامی با اعتراض وسیع کسبه و مغازه داران آنهم به صورت سرتا سری و فراصنفی روبرو می شود و برای اولین بار در دوران ۳۰ ساله جمهوری اسلامی موج وسیعی از اعتصاب شهرهای بزرگ کشور را در بر می گیرد؟ اجرای قانون مالیات ارزش اضافی که با نرخ به مراتب بالاتر در تقریباً

های خود حفظ کرده است. ارتجاع مذهبی و اقتصاد سنتی بازار دو رکن اساسی تشکیل دهنده پایه های جمهوری اسلامی بوده و تاکنون بقای آن را تأمین کرده است. سه دهه حکومت جمهوری اسلامی، اما، به پیدایش نسل جدیدی از حکومت گران منجر شده است که یا فقط به صورت عمده آن، و نه طراحان آن، عمل کرده اند. افراد این نسل عموماً در جریان جنگ ۸ ساله ایران و عراق بالا آمده اند و در ارگان های نظامی و شبه نظامی حکومت سازمان یافته اند. اینان نیروی جدیدی را تشکیل داده اند که در جریان انقلاب و سال های اولیه پس از آن وجود نداشت. این نیرو اگر چه دست پرورده انقلاب یعنی محصول ازدواج دور رکن یاد شده فوق است و خود را به هر دوی آنان مدیون می داند داعیه استقلال دارد و انحصار قدرت را برای خود می طلبد. این نیرو چنان به قدرت خود متکی و مغرور است که نیاز چندان به همراهی والدان معنوی و سیاسی خود نمی بیند و از این که گاه آنان را برنجانند و یا حتی از خود براند نیز ظاهراً واهمه ای ندارد. نورسیده ای است که در دامن انقلاب پرورش یافته و روش حکومت را از حاکمان مستبد بی بند و بار جمهوری اسلامی آموخته است. از این رو، شکفت آور نیست اگر این نیرو در قدرت نه فقط در ولنگاری و استبداد بی بند و بار از حاکمان سنتی این حکومت جلو بزند و بلکه اهمیت چندان به حفظ حمایت بازار و روحانیت نیز از خود نشان ندهد. با روی کار آمدن آقای احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴، این نیرو برای اولین بار مزه قدرت را چشید و بر آن است که در رأی گیری سال آینده قدرت خود را تحکیم بخشد. در طول سه سال گذشته، حکومت احمدی نژاد تنها به کانون قدرت کوچک ولی پر نفوذی از روحانیت متکی بوده و در برابر آن به تدریج ارتباط خود را با بخش عمده تری از روحانیت از دست داده است. این کانون کوچک در درون حاکمیت در نهاد ولی فقیه و در خارج از آن در محفل مصباح یزدی متمرکز شده است.

بسیاری از روحانیان عالی رتبه قم به تدریج دریافته اند که نفوذشان در حاکمیت رو به تحلیل رفته و گوش شنوای کمتری برای آنان در آنجا باقی مانده است. این بی اعتنائی در آغاز چندان مشهود نبود و احمدی نژاد نیز همانند اسلاف خود در ابراز ارادت و احترام به روحانیان و رفتن به دستوسای آنان کوتاهی نمی کرد. ولی زود معلوم شد که این اظهار ارادت از حد تعارف های معمول فراتر نمی رود و تنها رهنمودهایی که از محفل مصباح یزدی صادر می شود می تواند در گوش حکومت احمدی نژاد تأثیر بگذارد. سخنان رحیم مشایی معاون احمدی نژاد در باره مردم اسرائیل، این واقعیت را به صورت فاحشی برملا کرد. آقای مشایی سخنی معقول را، اگر چه ناخواسته، بر زبان رانده بود که ما با مردم اسرائیل دشمنی نداریم. این سخن انسانی بر بسیاری از زعمیان روحانیت که از راه دشمنی با مردم یهود و یا اسرائیل نان می خورند گران آمده بود و خواهان عزل مشایی از مقام خود شده بودند. اینان اندک نبودند، نه در شمار و نه در مقام. علاوه بر خیل روحانیان برجسته، جمع بزرگی از روحانیان رده های پایین تر و اصولگرایانی که حاکمیت را از آن خود می دانند، و از جمله ۲۰۰ نماینده مجلس شورای اسلامی، نیز این خواست را پیش کشیده بودند. این فشارها، اما، نتیجه مطلوب آنان را به دست نداد، که

در تحلیل عواملی که به پیروزی انقلاب سال ۱۳۵۷ منجر شد عموماً به دو نیروی اجتماعی اشاره می شود و شرکت فعال این دو نیرو از عوامل تعیین کننده موفقیت انقلاب بشمار می آید. یکی از این دو، روحانیت بود که تحت رهبری آقای خمینی به بسیج نیروی مردم می پرداخت. و دیگری بازار بود که امکانات مادی و مالی حرکت را تأمین می کرد و آن را در اختیار روحانیت می گذاشت. البته انگیزه های مشترکی این دو نیرو را به هم پیوند می داد. هر دو نیرو از سیاست های آمرانه اقتصادی و فرهنگی رژیم شاه زیان می دیدند و هر دو می خواستند به نوعی عقربه زمان را به عقب برگردانند. پس از انقلاب نیز این دو نیرو پیوند خود را تا حد زیادی حفظ کردند و بحران های موسمی گهگاهی را از سر گذراندند، ولی هیچگاه در برابر حاکمیت موضع نگر فتند (یا حاکمیت در برابر آنان موضع نگر فت). اکنون و در آستانه سی امین سال انقلاب، شواهدی حاکی از آن است که این «ماه عسل» طولانی رو به پایان است. جمهوری اسلامی که به اتکای این دو نیرو بر سر کار آمده و به پشتوانه آن ها تاکنون حکومت کرده در هفته های اخیر به نحو بی سابقه ای به مواجهه با آنان کشانده شده است.

این نگره تقریباً غلامنازع است که انقلاب ضد سلطنتی سال ۱۳۵۷ بدون قدرت مالی بازار و توان بسیج روحانیت به نتیجه نمی رسید. البته نیروهای دیگری نیز در انقلاب سهیم بودند، از نیروهای سیاسی میانه و چپ و روشنفکران و روزنامه نگاران و دانشگاهیان گرفته تا کارگران نفت که با اعتصاب خود تیر خلاص را به حکومت شاه زدند و آن را فلج کردند. ولی تردید نمی توان کرد که هیچ کدام به اندازه دو نیروی یاد شده فوق نقش تعیین کننده در حرکت انقلاب نداشتند، و به همین دلیل نیز این دو نیرو پس از پیروزی انقلاب کنترل آن را به دست گرفتند. انگیزه های این دو نیرو نیز مشترک بود. روحانیت از گسترش فرهنگ غربی در جامعه ایران و سست شدن پایگاه مسجد رنج می برد، و بازار به تدریج از بین رفتن نقش محوری خود در اقتصاد در برابر سرمایه داری نوپا را شاهد بود. این که حکومت شاه این تغییرات را به صورت آمرانه و استبدادی پیش می برد هم به نزدیکی این دو نیرو به یکدیگر کمک می کرد و هم باعث جلب حمایت سایر نیروهای اجتماعی، و به خصوص روشنفکران و فعالان سیاسی، از آنان می شد.

در هر صورت، وجه مشترک خواست های عموماً واپسگرایانه این دو نیروی اجتماعی که در قالب های فریبنده مبارزه با استبداد و مقابله با نفوذ غرب مطرح می شد آنان را به اتحاد با یکدیگر کشاند و انقلاب را به پیش برد. این اتحاد پس از پیروزی انقلاب نیز، و این بار در شکل دو شریک در حکومت ادامه یافت. جمهوری اسلامی همواره زیر سلطه روحانیان و بازار بوده است. همکاری این دو نیرو گاه با مشکلاتی روبرو بوده و بحران های موضعی را به همراه داشته است، ولی هیچ گاه این مشکلات و بحران ها به اتحاد استراتژیک آنان صدمه ای نرسانده است. گاه نیروهای چپ حاکمیت در آن دست بالا را گرفته اند و مشکلاتی برای بخش بازاری آن ایجاد کرده اند، ولی این مشکلات با وساطت روحانیت سنتی معمولاً حل و فصل می شده و اوضاع مجدداً به حال عادی بر می گشته است. حکومت اسلامی همواره به نظرات روحانیت احترام می گذاشته و منافع بازار را در سیاست

Ebadat Chiropractic, Inc.

دکتر اصغر عبادت

کایروپراکتور



Jay Ebadat D.C.

تشخیص و معالجه:

- * سر درد
- * گردن درد
- * زانو درد
- * کمر درد
- * شانه درد

* صدمات ناشی از کار و ورزش

* ناراحتی های ناشی از تصادفات رانندگی

راه طبیعی برای کمک به بیماریهای فتنه، فشار خون و کلسترول با کم کردن وزن و تغذیه ای صحیح و سالم

ماساژ و کلاس های ورزشی یوگا با معلم خصوصی

اکثر بیمه ها از جمله مدیکر پذیرفته می شود

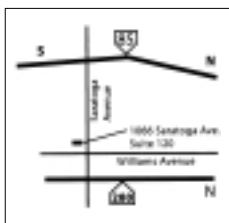
برای کسانی که بیمه ندارند تسهیلاتی در نظر گرفته شده است

(408) 244-6555

- * Weight Loss Program
- * Yoga Class
- * Massage Therapy (Deep Tissue, Shiatsu, Relaxation)
- * Personal Trainer

"We care for you as we do our own"
www.southbaychiro.com

1066 Saratoga Ave., Suite 120, San Jose, CA 95129



Gianni's Salon

Full Service Salon

بند صورت و ابرو با وقت قبلی

ThanksGiving Special 20% off any service

- * Just Cut \$20 & up
- * Cut, Wash & Style \$35 & up
- * Men's cut/Wash & Style \$15
- * Updo \$55 & up
- * Perm-Wash/Cut \$45 & up
- * Full Highlight \$70 & up

Tel: (408)354-9290 ☎ Call: (408)859-3642

Tue-Sat 10-7 Sun-Mon By Appt. Only

Station For Rent

634 N. Santa Cruz Ave., Ste. 108, Los Gatos, CA 95030

Arpan Electric

انجام کلیه امور الکتریکی زیر نظر کادر با تجربه

با مدیریت: مهندس بهروز باقری

- ✓ روشنایی منازل و محل کار
- ✓ تعویض پانل های قدیمی
- ✓ تعویض سیستم سیم کشی های قدیمی به جدید
- ✓ تعویض سیستم قدیم به جدید
- ✓ تعمیرات کلی و جزئی
- ✓ Commercial & Residential Lighting
- ✓ Alarm Security Service
- ✓ Repair Service
- ✓ Breaker & Fuses
- ✓ All Lighting
- ✓ Rewiring
- ✓ Indoor & Outdoor Lighting
- ✓ Wire Test & Repair Equipment
- ✓ Installing New Panel & Repairs
- ✓ Home/Building Inspection

۷ روز هفته، ۲۴ ساعته در خدمت هموطنان عزیز

(925)705-0595

Fax: (925)609-7182 • www.Arpanelectric.com • 24 Hours & 7 Days available